

مبانی کلامی و تاریخ نگاری

بررسی موردی: سنجش سند در نگاه علامه جعفر مرتضی

۱۹-۲۴

محسن الویری
دانشگاه باقرالعلوم (علیه السلام)

Theological Basis and Historiography, a Case Study of Document Assessment in the View of Allameh Seyyed Jafar Morteza Āmeli

By: Mohsen Alviri

Abstract: One of the major challenges of religious historiography is how to combine non-biased scientific and objective historiography with religious beliefs, especially about the lives of the infallibles (AS). It seems that if the notion of the history's being theological is properly understood, many of the disagreements will be resolved. To this end, the author first discusses multiple interpretation of the relationship between theology and history, and then points out the necessity of compatibility of the historical document and some definitive assumptions in the view of Allameh Jafar Morteza Āmeli. Next, by categorizing Allameh Jafar Morteza's view on theological presuppositions of reviewing a historical document, the author states the obvious primacy of definitive theological presuppositions over the document's contents.

Key words: Theological basis, historiography, document assessment, Jafar Morteza Āmeli, historical document, theology, history, document review, theological look at history, theological history.

المبانی الكلامية والتاريخية، دراسة نموذجية لتقييم السند من منظور العلامة جعفر مرتضی العاملي

الخلاصة: من التحديات الكبيرة التي تواجه عملية تدوين التاريخ بنظرة دينية، هي كيفية الجمع بين كتابة التاريخ المحايدة والعلمية والواقعية وبين مراعاة العقائد الدينية وخصوصاً تلك المتعلقة بحياة المعصومين عليهم السلام.

والذي نعتقده هو إمكانية زوال الكثير من الاختلافات في الآراء في هذا المجال في ما لو تمكنا من بيان المفهوم الكلامي لعلم التاريخ بصورة صحيحة.

وسعيًا من الكاتب في مقاله هذا لتحقيق هذا الهدف يبدأ مقاله بالإشارة إلى عددٍ من الآراء المختلفة حول العلاقة بين الكلام والتاريخ، ومن ثم التذكير برأي العلامة جعفر مرتضی العاملي عن ضرورة انسجام السند التاريخي مع الافتراضات القطعية.

ثم ينتقل المقال لاستعراض رأي العلامة جعفر مرتضی العاملي حول المفروضات الكلامية لتقييم السند التاريخي القائل بديهية أولوية الفرضيات القطعية الكلامية على مضمون السند.

المفردات الأساسية: المباني الكلامية، تدوين التاريخ، تقييم السند، جعفر مرتضی العاملي، الوثيقة التاريخية، الكلام، التاريخ، تحليل السند، النظرة الكلامية إلى التاريخ، المواقف التاريخية المسبقة.

چکیده: یکی از چالش‌های جدی تاریخ‌نگاری با نگاه دینی، چگونگی جمع بین تاریخ‌نگاری غیرجانبدارانه و علمی و عینی همزمان با باورهای دینی به ویژه درباره زندگی معصومان علیهم السلام است. به نظرمی رسد اگر مفهوم کلامی بودن دانش تاریخ به درستی تبیین شود بسیاری از اختلاف‌نظرها در این باره از میان می‌رود. نویسنده در نوشتار حاضر در راستای این هدف، نخست برداشت‌های چندگانه از رابطه کلام و تاریخ را مطرح و سپس، ضرورت سازگاری سند تاریخی با پیش فرض‌های قطعی در نگاه علامه جعفر مرتضی عاملی را متذکر می‌شود. در ادامه، با دسته‌بندی دیدگاه علامه جعفر مرتضی درباره پیش فرض‌های کلامی بررسی سند تاریخی، بديهی بودن تقدم پیش فرض‌های قطعی کلامی بر مفاد سند را اظهار می‌نماید.

کلیدواژه‌ها: مبانی کلامی، تاریخ‌نگاری، سنجش سند، جعفر مرتضی عاملی، سند تاریخی، کلام، تاریخ، بررسی سند، نگاه کلامی به تاریخ، کلام زدگی تاریخ.



مقدمه و بیان مسئله

مفهوم و چگونگی و ارزیابی پیوندهای کلام از جمله موضوعاتی است که در یکی دو دهه اخیر مورد توجه تاریخ‌پژوهان کشورمان قرار گرفته است. یکی از چالش‌های جدی تاریخ‌نگاری با نگاه دینی همین نکته؛ یعنی چگونگی جمع بین تاریخ‌نگاری غیرجانبدارانه و علمی و عینی همزمان با باورهای دینی به‌ویژه درباره زندگی معصومان (علیهم السلام) است. برای مثال گفته می‌شود تاریخ‌پژوهان زندگی معصومان (علیهم السلام) بر اساس پیش‌فرض‌های کلامی خود بی‌اینکه زحمت حتی یک صفحه مطالعه تاریخ را بر خود هموار کنند، حکم به نادرست بودن برخی از گزاره‌های تاریخی ناسازگار با شأن امام معصوم (علیه السلام) در تفکر شیعی می‌کنند و این کار اصالت علمی دانش تاریخ را زیر سؤال می‌برد. «نگاه کلامی به تاریخ» یا «کلام‌زدگی تاریخ» از جمله تعابیری است که به منزله نقد و حتی گاه به مثابه یک دشنام، با زبانی آرام یا گزنده، گاهی متوجه تاریخ‌پژوهان دین‌باور است. از سوی دیگر کسانی هم که از نگاه تاریخ‌نگاری همراه پایبندی به باورهای کلامی دفاع می‌کنند، به همان اندازه از بایستگی پاسداشت گوهر علمی دانش تاریخ هم دفاع می‌کنند و آن را وظیفه خود می‌شمرند. به نظر می‌رسد بخشی قابل توجه از این اختلاف عمیق، ریشه در تصویرنشدن درست صورت مسئله دارد و اگر مفهوم کلامی بودن دانش تاریخ به درستی تبیین شود، بسیاری از اختلاف‌نظرها در این باره از میان می‌رود.

برداشت‌های چندگانه از رابطه کلام و تاریخ

درباره پیوندهای کلام و تاریخ، پیش از هر داوری و اظهارنظری باید به روشنی محل اصلی اختلاف را مشخص و صورت مسئله را ترسیم کرد. به نظر می‌رسد در این باره سه تلقی مختلف وجود دارد و به هم آمیختن این برداشت‌های چندگانه موجب ناهمدلی‌ها و ناهم‌زبانی‌ها شده است. این تلقی‌ها چنین است:

- کلام به منزله «دانش کلام» و تاریخ به منزله «دانش تاریخ» و پیوند کلام و تاریخ به مفهوم رابطه بین دو دانش مستقل از هم و تعامل و بده‌بستان‌های آن دو با هم
- کلام به منزله «باورهای کلامی» و تاریخ به منزله «دانش تاریخ» و پیوند کلام و تاریخ با مفهوم محدود ساختن بهره‌گیری از دانش تاریخ تنها برای اثبات و تقویت باورهای کلامی (و نه سنجش آنها)
- کلام به «منزله باورها و گزاره‌های کلامی» و تاریخ به منزله «اجزا و فرایندهای دانش تاریخ» و پیوند کلام و تاریخ با مفهوم سیطره باورهای کلامی (پیش‌فرض‌های کلامی) در مراحل مختلف یافتن و فهم و ارزیابی سند و تدوین روایت یا تفسیر یا تبیین گزارش تاریخی

تلقی نخست از رابطه کلام و تاریخ از سوی همگان پذیرفته شده و بسیار دور از ذهن است که کسی پیوندهای محتمل این دو دانش را همچون هر دو دانش دیگرانکار کند یا آن را ناروا بشمرد؛ زیرا دو دانش کلام و تاریخ همچون هر دو علم دیگری می‌توانند از یافته‌های دیگری بهره‌برند یا برای یکدیگر آورده‌هایی داشته باشند.

تلقی دوم نیز تقریباً از سوی هیچ یک از تاریخ‌پژوهان یا بیشتر آنها پذیرفته نیست. البته در مورد تلقی دوم اگر یک متکلم دقت بفرماید و نه یک مورخ. برای اثبات مدعاهای خود از تاریخ هم بهره بگیرد یا حتی تاریخ را منحصرأ برای کمک به اثبات مدعای خود مطالعه کند، بر او خرده نمی‌توان گرفت. همان‌گونه که چه بسا یک جامعه‌شناس یکی از روش‌های شناخت بهتر موضوع مطالعه خود را مطالعه تاریخی آن قرار دهد و تاریخ را منحصرأ برای سنجش فرضیه خود مطالعه کند. بنابراین تلقی نخست و دوم از پیوند تاریخ و کلام چندان چالش برانگیز نیست.

سخن در تلقی سوم است که در نگاه منتقدان سیطره پیش فرض‌های کلامی می‌تواند عینیت تاریخی را خدشه‌دار کند. به یاد داشته باشیم که درباره عینیت تاریخی (عینی بودن تاریخ) در برابر ذهنی بودن تاریخ هم دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. در یک سو طیف تاریخ‌اندیشانی قرار می‌گیرند که از امکان‌پذیری عینیت مطلق و ضوابط و معیارهای آن سخن می‌گویند و در طرف دیگر این طیف، صاحب‌نظرانی هستند که اصولاً به دلیل ناممکن بودن عینیت در تاریخ و سلطه ناگزیر ذهنیت بر تاریخ، علم بودن تاریخ را زیر سؤال برده‌اند و سرانجام دیدگاهی که تاریخ را مرکب از دو جنبه ذهنیت و واقعیت بیرونی و دانشی عینی - ذهنی می‌شمرد.

ضرورت سازگاری سند تاریخی با پیش فرض‌های قطعی در نگاه علامه جعفر مرتضی

مرحوم علامه سید جعفر مرتضی‌العاملی (۱۳۹۸ ش) از جمله پژوهشگران معاصر عرصه تاریخ اسلام بود که باورهای کلامی شیعی روشنی داشت و به آنها پایبند بود. وی در فصل هشتم جلد اول موسوعة الصحیح من سیرة النبی الاعظم که ویژه ضوابط پژوهش علمی است، یکی از معیارهای ارزیابی یک سند مربوط به چهره‌های سرشناس را برای پذیرش یا رد آن این می‌داند که مفاد آن سند با مسلمات ثابت شده با دلیل صحیح و قطعی ناسازگار نباشد. متن نوشته ایشان چنین است:

وإذا كان النص يحكي سلوكاً لشخصية ما، فلا بد أن يكون بحيث يمكن أن يصدر ذلك الفعل أو الموقف من تلك الشخصية، من خلال ما عرف عنها من مميزات وخصائص، ثبتت بالدليل الصحيح والقطعي؛ فلا ينسب الجبن والعبي مثلاً لعلي بن أبي طالب، والشح والبخل لحاتم الطائي، والرذيلة والفجور لأتباع الله سبحانه وأصفيائه، ولأئمة الدين، وأولياء الله إذن.

على الباحث في السيرة النبوية المباركة: أن يبادر إلى تحديد معالم الشخصية النبوية، ومعرفة ما لها من مميزات وخصائص؛ فإذا ثبت لديه بالدليل: أن هذه الشخصية في أعلى درجات الحكمة، والعصمة، والشجاعة، والطهر، والحلم، والكرم، والحزم، والعلم، وغير ذلك، متحلياً بكل صفات النبل والفضل، وجامعاً لمختلف سمات الجلال والجمال، والكمال، ولسائر المزايا الإنسانية المثلى. إذا ثبت ذلك، فلا بد من جعل كل ذلك معياراً لأي نص يرد عليه، ويريد أن يسجل قولاً، أو فعلاً، أو موقفاً له «صلى الله عليه وآله».

فإذا جاء النص منسجماً مع الوضع الطبيعي للشخصية النبوية المثلى، بما لها من خصائص فإنه يكون مقبولاً، بعد توفر سائر شرائط القبول، وإلا فما علينا إذا رددناه جناح.

فالنص المقبول إذن هو ذلك الذي يسجل الحقيقة كل الحقيقة، دون أن يتأثر بالأهواء السياسية، و المصلحية، ولا بأي من العوامل العاطفية وغيرها.

فكما أننا لا يمكن أن نقبل أن يكون مرجع ديني، معروف بالورع والتقوى، قد ألف أغنية أو لحنها، للمغنية الشهيرة فلانة، فكذلك لا يمكن أن نقبل بنسبة ما هو مثل ذلك أو أقيح وأشنع منه، إلى ساحة قدس الرسول الأكرم «صلى الله عليه وآله». (ص ۲۶۱-۲۶۲)

ترجمه این عبارات چنین است:

وقتی یک متن (سند) رفتار مربوط به یک چهره را گزارش می‌کند، (شرط پذیرش آن، این است که) باید به گونه‌ای باشد که سرزدن آن رفتار یا موضع گزارش شده مربوط به آن چهره در سنجش با ویژگی‌های شناخته شده او که با دلیل صحیح و قطعی اثبات شده است، امکان پذیر باشد. بنابراین نسبت دادن ترس و سستی مثلاً به علی بن ابی طالب (علیه السلام) یا تنگ چشمی و آزمندی به حاتم طایی یا پستی و گناه ورزی به پیامبران خدای سبحان و برگزیدگان او و پیشوایان دین و اولیای خدا پذیرفته نیست.

پژوهشگر سیره مبارک نبوی باید به مشخص ساختن نشانه‌های شخصیت و ویژگی‌های آن حضرت همت گمارد و آن‌گاه که با دلیل بر او ثابت شد که پیامبر در بالاترین درجات حکمت و عصمت و دلیری و پاکی و خوبستن داری و بخشش و دوراندیشی و دانش و جزآن است و به خوی تیزهوشی و برتری آراسته است و در بردارنده نشانه‌های جلال و جمال و کمال و دیگر ویژگی‌های نمونه انسانی است. اگر به راستی این موضوع بر پژوهشگر اثبات شده باشد، پس باید هر یک از اینها را در شمار معیارهای لازم برای (سنجش) هرمتنی که با آن روبرو می‌شود یا هر سخن یا رفتار یا موضعی را که می‌خواهد درباره او بنویسد قرار دهد.

بدین سان اگر متن با حالت طبیعی شخصیت نمونه پیامبر و ویژگی‌های او سازگار باشد و دیگر ویژگی‌های پذیرش یک سند را داشته باشد، باید پذیرفته شود، والا اگر آن را نپذیریم گناه و نکوهشی بر ما نیست. پس سند مورد پذیرش سندی است که ثبت‌کننده همه حقیقت باشد و از کشش‌های سیاسی و مصلحت‌اندیشی و هر عامل عاطفی دیگر اثر نگرفته باشد.

پس همان‌طور که ممکن نیست بپذیریم یک مرجع دینی شهره به پرهیزکاری و پروا پیشگی، سراینده ترانه یا سازنده آهنگ یک خواننده زن پرآوازه باشد، به همین ترتیب نمی‌توان نسبت دادن چنین چیزی یا بدتر و زشت‌تر از آن را به ساحت قدسی فرستاده گرامی خدا که درود بر او و خاندانش باد پذیرفت.

این عبارات یک نمونه روشن برای دخالت دادن مبانی کلامی در فهم اسناد تاریخی و پردازش آنها و تدوین گزارش‌های تاریخی است. دغدغه اصلی علامه جعفر مرتضی در اینجا معطوف به سیره پژوهی و مثال‌های او مربوط به پیامبر است، ولی این موضوع اشاره به یک قاعده عام دارد که در دیگر موضوعات تاریخی، البته بیشتر در موضوعات مربوط به معصومان (علیهم السلام) هم مطرح است.

دسته بندی دیدگاه علامه جعفر مرتضی درباره پیش فرض‌های کلامی بررسی سند تاریخی

خلاصه سخن علامه جعفر مرتضی در عباراتی که از ایشان نقل شده این است که یکی از شرط‌های پذیرش یک سند تاریخی، سازگاری آن با پیش فرض‌های ثابت شده با دلیل صحیح و قطعی است. اگر ما یک پیش فرض ثابت شده با دلیل صحیح و قطعی داشته باشیم به هنگام روبروشدن با سند تاریخی نمی‌توانیم و نباید از آن دست بکشیم. بنابراین اگر ما با ادله قطعی به این نتیجه رسیده باشیم که مثلاً معصومان (علیهم السلام) مرتکب رفتارهای ناپسند و ناصواب نمی‌شوند، هر سند تاریخی ناسازگار با این پیش فرض را کنار می‌گذاریم. مهم نیست این پیش فرض از کدام تبار است، مهم این است که با دلیل صحیح و قطعی اثبات شده باشد. این پیش فرض مسلم و ثابت شده قطعی می‌تواند زبان شناختی، انسان شناختی، جامعه شناختی، طبیعت شناختی، معرفت شناختی، هستی شناختی و هر چیز دیگر از جمله یک باور کلامی باشد. مهم این است که با ادله محکم و قطعی کلامی ثابت شده باشد. افزون بر

این و در همین زمینه، علامه جعفر مرتضی به این نکات هم توجه داده است:

۱. ضرورت اهتمام پژوهشگر تاریخ به روشن ساختن پیش فرض های کلامی خود

مبانی کلامی بدان درجه از اهمیت است که پژوهشگر نباید به آنها بی تفاوت باشد، بلکه سزاوار است خود به سراغ آنها برود و به عنوان بخشی از اصول و معیارهای سنجش روایت موضع خود را نسبت به آنها مشخص کند: «پژوهشگر سیره مبارک نبوی باید به مشخص ساختن نشانه های شخصیت و ویژگی های آن حضرت همت گمارد».

۲. متوقف بودن پذیرش یک سند بر وجود ویژگی های مختلف

نکته دیگر این است که در مقام سنجش یک روایت، سازگاری با پیش فرض های کلامی به تنهایی برای پذیرش آن کافی نیست و روشن است که این سند مفروض باید: «دیگر ویژگی های پذیرش یک سند را داشته باشد».

۳. بدیهی بودن پابندی به پیش فرض های ثابت شده و قطعی برای پذیرش یک سند

نکته دیگری که مرحوم علامه جعفر مرتضی در این نوشته به آن اشاره کرده است، بدیهی بودن قاعده مقدم داشتن مسلمات عقلی و ثابت شده بر محتوای اسناد است؛ زیرا همان طور که مثلاً سراینده بودن یک عالم پرهیزگار برای اشعار سخیف به حکم عقل و به دلیل ناسازگاری مفاد سند دال بر این موضوع با یک پیش فرض قطعی یک امر بدیهی و پذیرفته شده از سوی اغلب مردم است، در بحث های تاریخی هم همین قاعده جاری است.

بدیهی بودن تقدم پیش فرض های قطعی کلامی بر مفاد سند

از آنچه گذشت می توان به این نتیجه رسید که وقتی یک تاریخ پژوه به سراغ یک سند می رود، ناگزیر مجموعه ای از پیش فرض ها را با خود همراه دارد. حال اگر این پیش فرض ها از قطعیت برخوردار باشد، به صورت طبیعی و بدیهی، به دلیل قطعی بودن مقدم بر مفاد سند است و کوشش برای دور کردن آنها از خود امری ناپسند است. این پیش فرض ها از هر جنسی که باشند و هر خاستگاه و تباری که داشته باشند یکی از معیارهای ارزیابی سند به شمار می روند و کلامی بودن یا نبودن آنها تأثیری بر مقدم بودن آنها بر سند ندارد. هرگاه پژوهشگر تاریخ درباره درستی پیش فرض های خود یقین داشته باشد، باید این پیش فرض قطعی و مسلم را بر دلالت های سند ترجیح دهد و اگر مفاد سند با یک پیش فرض قطعی سازگار نبود، باید از مفاد سند دست بکشد و با دیده تردید به اصالت سند بنگرد؛ این یک امر عقلی است. بر این اساس پابندی دین باوران به مبانی کلامی خود در حقیقت از مصادیق این حکم عقلی است که همه تاریخ پژوهان به شکل های مختلف به آن پایبندند. پس برای مورخی که با ادله قطعی برای او ثابت شده باشد که معصومان از خطا دور هستند، این امر مسلم و قطعی همچون هر امر مسلم و قطعی دیگر باید در مواجهه با متن همواره مدنظر قرار گیرد. به همان ترتیب که وقتی یک مورخ دیگر که چنین پیش فرضی برایش اثبات شده نباشد، نمی تواند به هنگام ارزیابی سند بر اساس آن تصمیم بگیرد. مسلم بودن عصمت معصومان (علیهم السلام) یا معصوم نبودن آنها هر دو به یک درجه از اثرگذاری بر تاریخ نگاری و در اینجا سنجش سند هستند. این دو هر دو یک پیش فرض کلامی است و وقتی یک پژوهشگر تاریخ یکی از آن دو را به عنوان یک امر قطعی پذیرفته باشد، باید به آن پایبند باشد. همان گونه که فرد غیر معتقد به عصمت باید این اعتقاد خود را بر سند مقدم بدارد و به اعتقاد خود پایبند باشد، فرد معتقد به عصمت هم باید چنین کند و شگفت آور است که رفتار فرد نخست علمی قلمداد شود و فرد دوم هم که دقیقاً همانند او عمل کرده است را متهم به رفتار غیر علمی کرد؛ چراکه هر دو پیش فرض های مسلم خود را مبنای دآوری یک سند قرار داده اند و هر دو به یک اندازه و البته ناگزیر مبنای کلامی خود را در فعالیت تاریخی خود دخالت داده اند و رفتار هر دوی آنها یک رفتار طبیعی است.

سخن آخر

آنچه مرحوم علامه جعفر مرتضی درباره ویژگی های یک سند تاریخی قابل پذیرش بیان کرده و در آن به روشنی

پیش فرض های کلامی را مقدم بر مفاد سند شمرده است، از مصادیق برداشت سوم از برداشت های سه گانه پیوند کلام و تاریخ است که قبلاً به آن اشاره شد. در این برداشت که برخی آن را در تضاد با عینیت تاریخی شمرده اند، پیوند کلام و تاریخ به مفهوم سیطره باورها و پیش فرض های کلامی در مراحل مختلف سنجش سند و تدوین روایت تاریخی است، اما تقریر علامه جعفر مرتضی نشان داد که دست کم در این مصداق از مصادیق رابطه کلام و تاریخ، دخالت دادن مبنای کلامی و تصمیم گیری بر پایه پیش فرض های کلامی قطعی، یک الزام عقلی نزد نخبگان و یک امر بدیهی نزد توده مردم و در نتیجه یک امر پسندیده و رفتار برخلاف آن نکوهیده است.

شاید نیازی به ذکر نباشد که همه آنچه بیان شد، مربوط به وقتی است که در قلمرو دانش تاریخ سخن می گوئیم، ولی در مواردی که در مقام ارزیابی یا مشخص کردن باورهای کلامی خود هستیم، مثلاً برآنیم که آموزه عصمت را بررسییم و درباره پذیرش یا عدم پذیرش آن به عنوان یک باور کلامی تصمیم بگیریم، روشن است که در اینجا حتماً باید به گزاره های تاریخی هم مراجعه کنیم و سازگاری این باور با مسلمات تاریخی را هم به عنوان یک معیار در نظر بگیریم. چه بسا یک گزاره تاریخی قطعی بتواند مانع پذیرش یک ادعای کلامی باشد، ولی وقتی به عنوان پژوهشگر تاریخ مشغول بررسی سند هستیم، نباید فراموش کنیم که باید همه مسلمات عقلی و قطعی و از قبل ثابت شده را در مقام ارزیابی سند مدنظر قرار دهیم و مبانی کلامی قطعی ما هم از جمله این مسلمات است. مرحوم علامه جعفر مرتضی عاملی در عباراتی که از ایشان نقل شد، این امر عقلی و بدیهی را بازتاب داده است.

درباره پیوندهای کلام و تاریخ مباحث بسیار دیگری مطرح است و سزاوار است پرونده گفتگوی نخبگان در این باره همچنان گشوده بماند.

